

داستان اتاق سیگار در بیت رهبری چیست؟

بالأخره بعد از چهار سال شاعران در نیمه ماه مبارک رمضان به دیدار مقام معظم رهبری رفتند.

به گزارش سایت خبری پرسون، واقعاً حیف نیست این قسمت از دیدار رهبری با شاعران در نیمه ماه مبارک رمضان را روایت نکنم؟ هنوز افطار نکرده‌ایم که اهل دخان دنبال اتاق سیگار هستند! بعضی که سال اولشان است می‌گویند ما شنیده بودیم برای دیدار شاعران یک اتاق مخصوص تدارک دیده‌اند که مخصوص کشیدن سیگار است.

آنهایی که تجربه دارند می‌گویند سال‌های قبل که نماز جماعت توی حیاط برگزار می‌شد، یک گوشه اتاقی تدارک دیده بودند که معروف بود به اتاق سیگار. توی آن هم انواع و اقسام سیگارها را برای شاعران تهیه کرده بودند و خلاصه عیش همه جور بود.

اما قضیه امسال هنوز مشخص نیست. هم محل برگزاری نماز جماعت تغییر کرده، هم محل برگزاری جلسه. یعنی ممکن است امسال خبری از اتاق سیگار نباشد؟ من که امسال با خودم عهد کرده بودم اتاق سیگار را از دست ندهم، همراه با دوستان اهل دخان سراغ یکی از نیروهای سپاه ولی امر را می‌گیریم. می‌گویند چرا نباشد؟ مگر می‌تواند نباشد؟ دیدار شاعران با همه دیدارها فرق می‌کند. در هیچ دیداری امکان ندارد چنین فضایی فراهم شود. اینجا و سیگار؟! ولی خب رهبری شاعران را خیلی دوست دارند. ظاهراً یک سال توی بازرسی‌ها سیگار و فندک استاد یوسفعلی میرشکاک را می‌گیرند و نمی‌گذارند با خودش به داخل برود. وقتی رهبری متوجه می‌شوند بی‌حوصلگی استاد میرشکاک به خاطر سیگار است، دستور می‌دهند از این به بعد برای سیگار کشیدن شاعران فضایی فراهم کنند! از همان سال است که یک گوشه را به سیگار کشیدن شاعران اختصاص می‌دهند. من که سال‌ها ماجرای اتاق سیگار را شنیده بودم، تا خودم ندیدم باور نکردم...

دوست سپاه ولی امری ما را به سمت تجمع اهل دخان راهنمایی می‌کند. چند قدم دورتر از سالن افطار، در را باز کرده بودند و پشت آن چند تا میز، چند تا بسته سیگار، چند تا فندک و چند تا جاسیگاری فراهم کرده بودند. کسانی که اهل دود بودند، بی‌درنگ به اینجا شتافته بودند و چشم‌شان از دیدن این پذیرایی جانانه رنگی شده بود. از کسی که پلاستیک سیگارها دستش بود می‌پرسم این ماجرا مال هر سال است؟ با خنده می‌گویند بله. هر سال خودمان انواع سیگارها را تهیه می‌کنیم، می‌آوریم و خودمان هم جمع می‌کنیم. او هم تأکید می‌کند که این اتفاق فقط برای دیدار شاعران رقم می‌خورد. بعد هم به شوخی می‌گویند اگر کم و کسری دارید بگویید! یکی دو نفر هم شوخی‌شان گل می‌کنند و اسم دو تا برند مشهور را می‌برند. دوست‌مان با جدیت زیادی توضیح می‌دهد که می‌خواستم بگیرم، ولی تمام کرده بود! خب چرا از خودمان پنهان کنیم؟ شاعران سیگاری کم نیستند. همه شاعران سیگاری نیستند، ولی در یک دیدار چندساعته و چند صد نفری، طبیعی است که تعدادی از آنها سیگاری هستند و نیاز به سیگار دارند! فقط از رهبری برمی‌آید که تا این حد حواسش به شاعران باشد. وگرنه بیت رهبری کجا و سیگار کجا؟ این خرق عادت، هم نشان می‌دهد چرا شاعران تا این حد رهبری را دوست دارند، و هم نشان می‌دهد رهبری برای شاعران چه ارج و قربی قائل هستند. کنار اهل دخان سیگاری دود می‌کنیم و تا مراسم شروع نشده خودمان را به محل برگزاری جلسه می‌رسانیم.